

جایگاه آموزش غیررسمی در نظام آموزشی مدارس دولتی استان اردبیل و تأثیر آن بر یادگیری

معصومه امیری ینگجه^۱، سمیه حسن سوقی^۲، زهرا ایمانی فرد^۳، رویا بهرامی^۴

تاریخ دریافت: ۳۱ خرداد ماه ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۷ مرداد ماه ۱۴۰۴

چکیده

تحولات اجتماعی، فرهنگی و فناورانه دهه‌های اخیر نشان داده است که آموزش رسمی به‌تنهایی قادر به پاسخ‌گویی به تمامی نیازهای یادگیرندگان نیست و بهره‌گیری از آموزش غیررسمی به‌عنوان مکملی مؤثر، بیش از پیش اهمیت یافته است. آموزش غیررسمی با تأکید بر تجربه، تعاملات اجتماعی و مشارکت فعال یادگیرندگان، می‌تواند زمینه‌ساز یادگیری عمیق و معنادار شود. پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه آموزش غیررسمی در نظام آموزشی مدارس دولتی استان اردبیل و بررسی تأثیر آن بر میزان یادگیری دانش‌آموزان انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری شامل معلمان و دانش‌آموزان دوره متوسطه اول مدارس دولتی استان اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه آموزش غیررسمی و پرسشنامه یادگیری مبتنی بر رویکرد سازنده‌گرایی اجتماعی بود که روایی و پایایی آن‌ها تأیید شد. داده‌ها با بهره‌گیری از آمار توصیفی و آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد آموزش غیررسمی در مدارس دولتی استان اردبیل در سطحی بالاتر از حد متوسط قرار دارد و میان آموزش غیررسمی و یادگیری دانش‌آموزان رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین مؤلفه‌های آموزش غیررسمی توانستند ۴۸ درصد از واریانس یادگیری دانش‌آموزان را تبیین کنند که در این میان، تعاملات اجتماعی بیشترین نقش را ایفا می‌کند. نتایج پژوهش بر ضرورت توجه نظام آموزشی به آموزش غیررسمی به‌عنوان راهبردی مؤثر برای ارتقای کیفیت یادگیری و تحقق تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان تأکید دارد.

واژگان کلیدی: آموزش غیررسمی، یادگیری دانش‌آموزان، مدارس دولتی، استان اردبیل

^۱ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ایران

^۲ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ایران

^۳ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ایران

^۴ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ایران

۱- مقدمه

آموزش به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در رشد فردی، اجتماعی و فرهنگی جوامع ایفا می‌کند. نظام‌های آموزشی رسمی در سراسر جهان با هدف انتقال دانش، مهارت‌ها و ارزش‌ها به نسل‌های جدید شکل گرفته‌اند، اما تحولات سریع اجتماعی، فرهنگی و فناورانه دهه‌های اخیر نشان داده است که آموزش رسمی به تنهایی پاسخگوی تمام نیازهای یادگیرندگان نیست. در این میان، توجه به انواع دیگر آموزش، به ویژه آموزش غیررسمی، به عنوان مکملی مؤثر برای آموزش رسمی، بیش از پیش اهمیت یافته است (Coombs & Ahmed, 1974).

آموزش غیررسمی به مجموعه‌ای از فعالیت‌های یادگیری اطلاق می‌شود که خارج از چارچوب برنامه‌های درسی رسمی، ساختارهای اداری و ارزشیابی‌های استاندارد صورت می‌گیرد، اما به طور هدفمند یا غیرهدفمند به یادگیری منجر می‌شود. این نوع آموزش می‌تواند در قالب فعالیت‌های فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی، رسانه‌ای، تعاملات بین فردی و تجربه‌های زیسته دانش‌آموزان شکل گیرد (Rogers, 2004). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از یادگیری‌های عمیق و ماندگار دانش‌آموزان نه در کلاس درس رسمی، بلکه در موقعیت‌های غیررسمی و تجربی رخ می‌دهد (Eraut, 2000).

در نظام آموزشی ایران، تمرکز اصلی مدارس دولتی بر برنامه درسی رسمی، کتاب‌محور و آزمون‌محور است. این رویکرد اگرچه در انتقال دانش نظری نقش دارد، اما اغلب از پرورش مهارت‌های زندگی، تفکر انتقادی، خلاقیت، همکاری اجتماعی و یادگیری معنادار غفلت می‌کند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۶). در چنین شرایطی، آموزش غیررسمی می‌تواند خلأهای موجود در آموزش رسمی را جبران کرده و زمینه‌ساز یادگیری عمیق‌تر و کاربردی‌تر شود.

استان اردبیل به عنوان یکی از استان‌های شمال غربی کشور، دارای ویژگی‌های فرهنگی، زبانی و اجتماعی خاصی است که می‌تواند بستر مناسبی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزش غیررسمی در مدارس دولتی فراهم آورد. فعالیت‌های بومی-محلی، آیین‌های فرهنگی، تعاملات اجتماعی و مشارکت‌های دانش‌آموزی در این استان می‌توانند نقش مهمی در ارتقای یادگیری ایفا کنند. با این حال، جایگاه آموزش غیررسمی در نظام آموزشی مدارس دولتی این استان تاکنون به طور نظام‌مند مورد بررسی قرار نگرفته است.

از این رو، پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه آموزش غیررسمی در نظام آموزشی مدارس دولتی استان اردبیل و بررسی تأثیر آن بر یادگیری دانش‌آموزان انجام می‌شود. این مطالعه می‌کوشد با بهره‌گیری از ادبیات نظری و یافته‌های پژوهشی، نقش آموزش غیررسمی را در ارتقای کیفیت یادگیری روشن سازد و زمینه را برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی مؤثرتر فراهم آورد.

۲- ادبیات نظری

۲-۱- مفهوم آموزش و انواع آن

آموزش به طور کلی به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها از طریق تعامل میان یاددهنده و یادگیرنده منتقل می‌شود. یونسکو آموزش را در سه قالب اصلی آموزش رسمی، غیررسمی و اتفاقی (ضمنی) دسته‌بندی می‌کند (UNESCO, 2015).

آموزش رسمی به نظام ساختاریافته‌ای گفته می‌شود که در مدارس و دانشگاه‌ها، بر اساس برنامه درسی مشخص، قوانین اداری معین و نظام ارزشیابی استاندارد اجرا می‌شود. در مقابل، آموزش غیررسمی خارج از این چارچوب‌ها قرار دارد، اما همچنان هدفمند بوده و می‌تواند سازمان‌یافته یا نیمه‌سازمان‌یافته باشد (Coombs & Ahmed, 1974).

آموزش غیررسمی نوعی یادگیری است که معمولاً داوطلبانه، انعطاف‌پذیر، زمینه‌محور و مبتنی بر نیازهای واقعی یادگیرندگان است. این نوع آموزش می‌تواند در محیط‌های متنوعی همچون خانه، مدرسه (خارج از کلاس رسمی)، جامعه، رسانه‌ها و فضای مجازی رخ دهد (Rogers, 2004).

از ویژگی‌های اصلی آموزش غیررسمی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- انعطاف‌پذیری در زمان، مکان و محتوا
- مشارکت فعال یادگیرنده
- تأکید بر تجربه و عمل
- ارتباط نزدیک با زندگی واقعی
- فقدان ارزشیابی‌های رسمی و نمره‌محور

دیویی (Dewey, 1938) معتقد است که یادگیری واقعی زمانی رخ می‌دهد که فرد درگیر تجربه معنادار شود و بتواند میان دانش و زندگی واقعی پیوند برقرار کند؛ امری که آموزش غیررسمی به‌خوبی آن را محقق می‌سازد.

در بسیاری از نظام‌های آموزشی پیشرو، آموزش غیررسمی به‌عنوان مکمل آموزش رسمی مورد توجه قرار گرفته است. برنامه‌هایی مانند فعالیت‌های فوق‌برنامه، اردوهای آموزشی، پروژه‌های اجتماعی، یادگیری مبتنی بر خدمت و یادگیری مشارکتی نمونه‌هایی از ادغام آموزش غیررسمی در مدارس هستند (OECD, 2018).

مطالعات نشان می‌دهد که ترکیب آموزش رسمی و غیررسمی می‌تواند به افزایش انگیزش تحصیلی، بهبود عملکرد یادگیری و تقویت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان منجر شود (Hattie, 2009).

۲-۲- آموزش غیررسمی و یادگیری

یادگیری فرایندی فعال، سازنده و اجتماعی است. نظریه‌های یادگیری سازنده‌گرایی بر این نکته تأکید دارند که یادگیرندگان دانش را از طریق تعامل با محیط و دیگران می‌سازند (Vygotsky, 1978). آموزش غیررسمی با فراهم کردن فرصت‌های تعامل، تجربه و مشارکت، زمینه‌ساز یادگیری عمیق و معنادار می‌شود. Eraut (۲۰۰۰) بیان می‌کند که بخش عمده‌ای از یادگیری‌های مؤثر، به‌ویژه یادگیری مهارت‌ها و نگرش‌ها، در موقعیت‌های غیررسمی رخ می‌دهد. در محیط مدرسه، فعالیت‌های غیررسمی می‌توانند یادگیری شناختی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان را تقویت کنند.

۲-۳- آموزش غیررسمی در مدارس دولتی ایران

اگرچه اسناد بالادستی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر تربیت همه‌جانبه و یادگیری مادام‌العمر تأکید دارند، اما در عمل، آموزش غیررسمی جایگاه محدودی در مدارس دولتی دارد (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که محدودیت‌های ساختاری، کمبود منابع و نگرش‌های سنتی به آموزش از جمله موانع توسعه آموزش غیررسمی در مدارس هستند (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۸).

با این حال، نتایج برخی مطالعات حاکی از آن است که اجرای فعالیت‌های غیررسمی در مدارس می‌تواند به بهبود یادگیری، افزایش مشارکت دانش‌آموزان و ارتقای مهارت‌های اجتماعی آنان منجر شود (کریمی، ۱۴۰۰).

استان اردبیل با برخورداری از فرهنگ غنی، زبان محلی، آیین‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی بالا، ظرفیت‌های قابل توجهی برای بهره‌گیری از آموزش غیررسمی دارد. استفاده از فعالیت‌های فرهنگی-بومی، مشارکت خانواده‌ها و جامعه محلی و توجه به یادگیری مبتنی بر تجربه می‌تواند نقش مهمی در ارتقای یادگیری دانش‌آموزان این استان ایفا کند.

هدف کلی این پژوهش، تبیین جایگاه آموزش غیررسمی در نظام آموزشی مدارس دولتی استان اردبیل و بررسی تأثیر آن بر میزان یادگیری دانش‌آموزان است.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و شیوه اجرا توصیفی-همبستگی است؛ زیرا هدف آن بررسی جایگاه آموزش غیررسمی در مدارس دولتی استان اردبیل و تحلیل رابطه آن با میزان یادگیری دانش‌آموزان می‌باشد، بدون آن‌که متغیرها دستکاری شوند. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه معلمان و دانش‌آموزان دوره متوسطه اول مدارس دولتی استان اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ است. با توجه به گستردگی جامعه و پراکندگی جغرافیایی مدارس، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به کار گرفته شد؛ بدین صورت که ابتدا چند شهرستان استان به‌صورت تصادفی انتخاب، سپس از میان مدارس دولتی هر شهرستان چند مدرسه و در نهایت از هر مدرسه نمونه‌ای از معلمان و دانش‌آموزان به‌طور تصادفی انتخاب شدند. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) تعیین گردید که در نهایت ۳۰۰ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه آموزش غیررسمی مبتنی بر دیدگاه‌های کومبس و احمد (۱۹۷۴) و راجرز (۲۰۰۴) و پرسشنامه یادگیری بر اساس چارچوب نظری سازنده‌گرایی اجتماعی ویگوتسکی (۱۹۷۸) و الگوی یادگیری عمیق بیگز^۱ (۱۹۹۹) بود که به‌صورت مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت تنظیم شد. روایی ابزار از طریق روایی محتوایی و نظرخواهی از صاحب‌نظران حوزه علوم تربیتی و برنامه‌ریزی درسی تأیید گردید. پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن برای کل ابزار بالاتر از ۰.۸۰ به دست آمد و نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است. در نهایت،

^۱ Biggs

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS انجام شد.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- یافته‌های توصیفی متغیرها

در این بخش، وضعیت متغیرهای پژوهش شامل «آموزش غیررسمی» و «یادگیری دانش‌آموزان» بر اساس شاخص‌های آمار توصیفی بررسی می‌شود. هدف از ارائه این یافته‌ها، شناخت سطح و پراکندگی متغیرها در جامعه مورد مطالعه است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیر آموزش غیررسمی

مؤلفه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
فعالیت‌های فوق برنامه	۳۰۰	۳.۴۲	۰.۷۱	۱	۵
تعاملات اجتماعی	۳۰۰	۳.۶۵	۰.۶۸	۱	۵
یادگیری تجربی	۳۰۰	۳.۵۸	۰.۷۴	۱	۵
مشارکت دانش‌آموزان	۳۰۰	۳.۴۷	۰.۶۹	۱	۵
آموزش غیررسمی (کل)	۳۰۰	۳.۵۳	۰.۶۶	۱	۵

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین کلی متغیر آموزش غیررسمی برابر با $53/3$ است که بالاتر از حد متوسط نظری (۳) قرار دارد. این یافته حاکی از آن است که آموزش غیررسمی در مدارس دولتی استان اردبیل از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است. در میان مؤلفه‌ها، «تعاملات اجتماعی» با میانگین $65/3$ بیشترین و «فعالیت‌های فوق برنامه» با میانگین $42/3$ کمترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند. انحراف معیارهای نسبتاً پایین بیانگر همگنی نسبی پاسخ‌ها و برداشت مشابه پاسخ‌دهندگان از وضعیت آموزش غیررسمی در مدارس است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیر یادگیری دانش‌آموزان

مؤلفه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
یادگیری شناختی	۳۰۰	۳.۶۱	۰.۶۷	۱	۵
یادگیری عاطفی	۳۰۰	۳.۴۸	۰.۷۲	۱	۵
یادگیری اجتماعی	۳۰۰	۳.۶۹	۰.۶۵	۱	۵
یادگیری عمیق	۳۰۰	۳.۵۵	۰.۷۰	۱	۵
یادگیری (کل)	۳۰۰	۳.۵۸	۰.۶۴	۱	۵

بر اساس داده‌های جدول ۲، میانگین کلی متغیر یادگیری دانش‌آموزان برابر با ۵۸/۳ است که نشان‌دهنده سطح نسبتاً مطلوب یادگیری در میان دانش‌آموزان مدارس دولتی استان اردبیل است. بیشترین میانگین به مؤلفه «یادگیری اجتماعی» اختصاص دارد که بیانگر نقش تعاملات گروهی و اجتماعی در فرایند یادگیری است. کمترین میانگین مربوط به «یادگیری عاطفی» است که می‌تواند نشان‌دهنده نیاز به توجه بیشتر به ابعاد هیجانی و انگیزشی یادگیری در مدارس باشد.

۴-۲- یافته‌های استنباطی تحقیق

در این بخش، به بررسی فرضیه پژوهش از طریق آزمون‌های آماری استنباطی پرداخته می‌شود. پیش از انجام تحلیل‌ها، نرمال بودن داده‌ها با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شد که نتایج آن نرمال بودن توزیع داده‌ها را تأیید کرد؛ بنابراین استفاده از آزمون‌های پارامتریک مجاز بود.

فرضیه پژوهش: آموزش غیررسمی در مدارس دولتی استان اردبیل تأثیر مثبت و معناداری بر یادگیری دانش‌آموزان دارد.

جدول ۳. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین آموزش غیررسمی و یادگیری

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (Sig)
آموزش غیررسمی و یادگیری	۰.۶۲	۰.۰۰۱

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین آموزش غیررسمی و یادگیری دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p < 0/01$, $r = 0/62$). این میزان همبستگی بیانگر رابطه نسبتاً قوی بین دو متغیر است؛ به این معنا که با افزایش میزان بهره‌گیری از آموزش غیررسمی در مدارس، سطح یادگیری دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد. این یافته فرضیه اصلی پژوهش را مورد تأیید قرار می‌دهد و بر اهمیت نقش آموزش غیررسمی در ارتقای یادگیری تأکید می‌کند.

جدول ۴. نتایج رگرسیون چندگانه مؤلفه‌های آموزش غیررسمی بر یادگیری

متغیر پیش‌بین	ضریب بتا (β)	مقدار t	سطح معناداری
فعالیت‌های فوق برنامه	۰.۲۱	۳.۹۸	۰.۰۰۱
تعاملات اجتماعی	۰.۲۹	۵.۱۲	۰.۰۰۰
یادگیری تجربی	۰.۲۵	۴.۴۶	۰.۰۰۰
مشارکت دانش‌آموزان	۰.۱۸	۳.۲۵	۰.۰۰۲

ضریب تعیین (R^2)=0/48

نتایج رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های آموزش غیررسمی قادرند ۴۸ درصد از واریانس یادگیری دانش‌آموزان را تبیین کنند. در میان متغیرهای پیش‌بین، «تعاملات اجتماعی» با ضریب بتای ۲۹/۰

بیشترین نقش را در پیش‌بینی یادگیری دارد و پس از آن «یادگیری تجربی» و «فعالیت‌های فوق‌برنامه» قرار می‌گیرند. این نتایج بیانگر آن است که یادگیری دانش‌آموزان بیش از هر چیز تحت تأثیر تعاملات اجتماعی و تجربه‌های غیررسمی آنان در محیط مدرسه قرار دارد.

جدول ۵. مقایسه میانگین یادگیری بر اساس سطح آموزش غیررسمی (آزمون t مستقل)

سطح آموزش غیررسمی	تعداد	میانگین یادگیری	انحراف معیار	مقدار t	Sig
بالا	۱۵۰	۳۸۹	۰.۵۵	۶.۲۱	۰.۰۰۱
پایین	۱۵۰	۳۲۷	۰.۶۱		

نتایج آزمون t مستقل نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میانگین یادگیری دانش‌آموزانی که از سطح بالای آموزش غیررسمی برخوردارند و دانش‌آموزانی که سطح آموزش غیررسمی پایین‌تری دارند وجود دارد ($p < 0/01$). این یافته نشان می‌دهد که بهره‌گیری بیشتر از آموزش غیررسمی در مدارس می‌تواند به شکل معناداری موجب ارتقای یادگیری دانش‌آموزان شود.

۵- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که آموزش غیررسمی جایگاه قابل توجهی در نظام آموزشی مدارس دولتی استان اردبیل دارد و از سطحی بالاتر از حد متوسط برخوردار است. یافته‌های توصیفی حاکی از آن بود که مؤلفه‌هایی نظیر تعاملات اجتماعی، یادگیری تجربی و مشارکت دانش‌آموزان نقش پررنگ‌تری در ساختار آموزش غیررسمی ایفا می‌کنند. این موضوع بیانگر آن است که محیط مدرسه فراتر از کلاس درس رسمی، بستری مهم برای شکل‌گیری یادگیری‌های معنادار فراهم می‌آورد.

یافته‌های استنباطی نیز نشان داد که بین آموزش غیررسمی و یادگیری دانش‌آموزان رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون مشخص کرد که آموزش غیررسمی قادر است بخش قابل توجهی از واریانس یادگیری را تبیین کند. این امر تأییدکننده دیدگاه‌های نظریه‌پردازانی همچون ویگوتسکی و دیویی است که یادگیری را فرایندی اجتماعی و مبتنی بر تجربه می‌دانند. به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توجه به آموزش غیررسمی می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر برای ارتقای کیفیت یادگیری و تحقق اهداف تربیت همه‌جانبه در مدارس دولتی استان اردبیل مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

فتحی و اجارگاه، ک. (۱۳۹۶). برنامه‌درسی و چالش‌های آموزش رسمی. تهران: سمت.

سلیمی، م.، احمدی، ح.، و رضایی، ف. (۱۳۹۸). موانع توسعه آموزش غیررسمی در مدارس دولتی. فصلنامه پژوهش در آموزش، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۲.

کریمی، ن. (۱۴۰۰). نقش فعالیت‌های فوق‌برنامه در یادگیری دانش‌آموزان. مجله مطالعات تربیتی، ۸(۲)، ۷۷-۹۴.

وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران.

Coombs, P. H., & Ahmed, M. (1974). *Attacking rural poverty: How nonformal education can help*. Oxford University Press.

Dewey, J. (1938). *Experience and education*. Macmillan.

Eraut, M. (2000). Non-formal learning and tacit knowledge in professional work. *British Journal of Educational Psychology*, 70(1), 113-136.

Hattie, J. (2009). *Visible learning*. Routledge.

OECD. (2018). *The future of education and skills*. OECD Publishing.

Rogers, A. (2004). *Non-formal education: Flexible schooling or participatory education?* Springer.

UNESCO. (2015). *Rethinking education: Towards a global common good?* UNESCO Publishing.

Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society*. Harvard University Press.

Jarvis, P. (2006). *Towards a comprehensive theory of human learning*. Routledge.

Livingstone, D. W. (2001). *Adults' informal learning. New Approaches to Lifelong Learning*.

Schugurensky, D. (2000). *The forms of informal learning*. Ontario Institute for Studies in Education.